

## چون من در این دیار

سهیلا یوسفی\*

دلنشین در کتاب‌ها و مقالات است که امروزه سوگمندان به بهانه «اثر علمی و تحقیقی بودن» و ده‌ها بهانه دیگر از جامعه دانشگاهی و ادبی رخت بر بسته است.

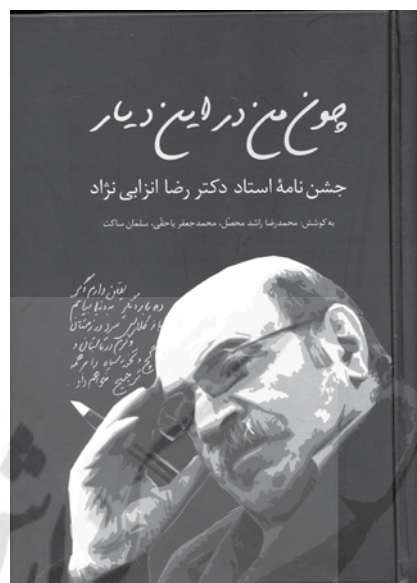
چون من در این دیار عنوان جشن‌نامه‌ای است که گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی (قطب علمی فردوسی‌شناسی) به کوشش و خواستاری دکتر محمدرضا راشد محصل، دکتر محمدجعفر یاحقی و سلمان ساکت برای او فراهم آورده است. در مقدمه کتاب می‌خوانیم:

«چون من در این دیار» را از حافظ به وام گرفتیم برای عنوان جشن‌نامه دکتر رضا انزابی‌نژاد، آموزگار پژوهنده‌ای که از آذربایجان برخاست و تا خراسان را درنوردید تا در این سرزمین اهورایی چراغداری کند با جهانی یکرنگی و یکدلی و مهرآوری، نه یک سال و دو سال که ده‌ها سال؛ نه در یک جا و دو جا، که در چندین شهر از تبریز و گناباد و نیشابور گرفته تا تهران و مشهد.

این کتاب در هشت بخش تنظیم شده است که بخش نخست با عنوان «سخن آشنا» دربردارنده سال‌شمار زندگی استاد و کتاب‌شناسی تفصیلی آثار ایشان، شامل کتاب، مقاله، میزگرد و پایان‌نامه‌های هدایت‌شده است. در این بخش استادان و دوستانی چون دکتر منصور ثروت و دکتر بهروز ثروتیان و نیز شاگردانی چون اصغر ارشاد سرابی و حمیدرضا آژیر قلم‌فرسایی کرده‌اند. در این میان نوشته دکتر ثروت با نام «از یادگاران یار مهربان»، رنگ و بویی دیگرگون دارد چرا که افزون بر بیان خاطراتی زیبا و جذاب، هنر و استعداد استاد را در داستان‌پردازی از خلال مقدمه‌های کتاب‌های وی معرفی و بررسی کرده است.

بخش دوم «زبان خموش ولیکن» نام دارد که با مقاله «باقوت زکات» از استاد محترم، دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی آغاز می‌شود. دیگر مقالات این بخش عبارتند از: «کاغذین جامه، پیراهن کاغذین (از آیین تا کلمه)»، دکتر محمود

چون من در این دیار، جشن‌نامه استاد دکتر رضا انزابی‌نژاد، به کوشش محمدرضا راشد محصل، محمدجعفر یاحقی، سلمان ساکت، تهران: سخن، ۱۳۸۹، ۶۵۶ صفحه



نام دکتر انزابی‌نژاد در عرصه پژوهش‌های ادبی نامی‌ست آشنا. مردی که هرچند در تبریز به دنیا آمده است، سال‌های زیادی از دوران بالندگی و فروزندگی خود را در خراسان و مشهد سپری کرده است — چه در جوانی و در جامعه آموزشی، چه در میان‌سالی و در کسوت استادی — او در زمره استادانی است که هم کلاس‌های درس سودمند و پرباری داشته و هم در عرصه‌های مختلف پژوهشی، از تصحیح و ترجمه و تألیف، کارنامه‌ای درخشان بر جا گذاشته است. آن یکی را شاگردان بسیارش که امروزه در سراسر ایران پراکنده‌اند، گواهی می‌دهند و این دیگری را آثار ماندگار و جاودانش چون تصحیح مقامات حمیدی، ترجمه فرهنگ الرائد و ترجمه ثمارالقلوب ثعالبی.

از مهمترین ویژگی‌های معلمی‌اش نظم، سخت‌گیری، دقت، باریک‌بینی، جدیت و البته مهربانی است و از اساسی‌ترین خصیصه‌های پژوهندگی‌اش به کاربردن نثری زیبا، شاعرانه و

\* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

چیت‌سازی و «بازخوانی راز یک عشق در آثار هدایت» دکتر ابراهیم رنجبر.

بخش هفتم با نام «آویزه» مقاله‌ای مفصل و جالب توجه از محمدحسین ساکت با عنوان «وامستانی واژگانی» است که واژه‌های مهاجر در زبان تازی را که به زبان‌های دیگر مانند انگلیسی، اسپانیایی، پرتغالی، فرانسوی، یونانی و حتی چینی رفته است، معرفی و بررسی کرده است.

بخش پایانی کتاب «تصاویر» است که در بردارنده نمونه‌ای از دست‌خط استاد — که نامه‌ای است از سوی ایشان به گروه آموزشی — و عکس‌های ایشان در سنین مختلف است. شاید خواندن بخشی از دست‌خط استاد و نامه از سر عشق و شور و احساس خالی از لطف نباشد:

به نام خدا

ریاست محترم دانشکده ادبیات و علوم انسانی

با احترام دیروز جمعه، ۱۲ مرداد ۱۳۸۰ سری گردانیدم و نگاهی به پس پشت افکندم. خطی دیدم به درازای چهل و یک سال و نه ماه و چند روز؛ در تأمل و تنهایی خود به این راه دراز اندیشیدم. چهل و یک سال و نه ماه و چند روز عاشقانه رفتن و دودیدن و افتادن و برخاستن... اما همیشه و هر دم عاشقانه رفتن، و راهی را سپردن که رد پای پیامبران و پاکان و نیکان را جسته‌ام و دیده‌ام...

تمام دیروز پوشه‌های بسیار را گشتم تا نخستین حکم استخدامم را پیدا کنم. نیافتم؛ اما هزاران حکم و ابلاغ و برگ و برگچه نقل و انتقال و تقدیر و... یافتم.

...یقین دارم اگر ده بار دیگر به دنیا بیایم و در انتخاب ده‌ها شغل و شیوه آسان و پر حشمت و درآمد مخیرکنندم، باز کلاس سرد در زمستان و گرم در تابستان و گچ و تخته سیاه را بر همه ترجیح خواهم داد.

به هر روی هر راهی پایانی دارد و هر رفتن و دودینی به نقطه‌ای می‌رسد. این ناموس هستی است و کس را از آن گریز و گزیری نیست. اینک پس از چهل و یک سال و نه ماه و چند روز درخواست بازنشستگی می‌کنم، اما یقین دارم که دل از درس و کلاس و دانشجو نخواهم برید.

با احترام، رضا انزابی‌نژاد

عابدی؛ «خاقانی و کاربرد الفاظ در معانی غریب»، دکتر عباس ماهیار؛ «نقل قول مفسران درباره شق القمر»، علیرضا ذکاوتی قراگزلو؛ «مآخذ و گویندگان اشعار عربی منشآت خاقانی»، دکتر حامد خاتمی‌پور؛ «صنوان و غیر صنوان»، دکتر بهرام گرامی؛ «واژه فقیه و یکی از معانی آن در نگارش‌های تازی و پارسی»، جویا جهانبخش و «تأمل در چند موضع جغرافیایی تاریخ جهانگشای جوینی»، مهدی سیدی.

بخش سوم با نام «کیمیای مراد» به مقالات حوزه اسطوره‌شناسی، ادبیات حماسی و شاهنامه اختصاص دارد که عنوان برخی از مقالات آن عبارت است از: «از اژدهای سه‌سر اوستا تا جبار سه‌سر در گزارش یاقوت حموی»، دکتر چنگیز مولایی؛ «کاربرد نادری از مصدر خوستن در زبان پهلوی»، دکتر مهشید میرفخرایی؛ «نکات مشترک در زندگی زردشت و ابراهیم خلیلی»، دکتر محمدتقی راشد‌محصل؛ «اندیوشهر، سروستان، گندشاپور، سوراب»، ابوالفضل خطیبی؛ «رویارویی و نبرد دو خویشاوند نزدیک در روایات پهلوانی ایران»، دکتر سجاد آیدنلو.

بخش چهارم با عنوان «گشاد کار مشتاقان» با مقاله ارزشمند «سه مسمط تازه از مسعود سعد» از دکتر علی اشرف صادقی آغاز می‌شود. دیگر مقاله مهم و درخور توجه این بخش «شمس تبریزی هندوستان» از ولادیمیر ایوانف است که به ترجمه دکتر پرویز ادکایی در این مجموعه به چاپ رسیده است.

بخش پنجم «صحبت باغ و بهار» نام دارد که مهم‌ترین مقالات آن عبارت است از: «سبک چیست؟»، دکتر محمود فتوحی؛ «قافیه از نگاهی دیگر»، دکتر علیرضا مظفری؛ «تحلیلی توصیفی از کاربردهای عناصر اسلامی در شعر رودکی»، دکتر عبدالله رادمرد؛ «شهر پاکان اقبالنامه و بازخوانی حکیمانۀ نظامی از بن‌مایه‌ای عارفانه»، دکتر فرزاد قائمی؛ «تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه»، دکتر محمدجعفر یاحقی.

بخش ششم به ادبیات معاصر و ویژگی یافته و «نسیم صبح سعادت» نام گرفته است و مقالات آن عبارت است از: «باز یادی از شهریار»، دکتر توفیق سبحانی؛ «گویند که امید و چه نومید!...»، دکتر محمدرضا راشد‌محصل؛ «نقد و بررسی محتوای ادبیات داستانی کودک در دهه هفتاد در گروه‌های سنی الف، ب، ج»، دکتر مه‌دخت پورخالقی چترودی و الهه